



۴۶۶ ◊

xalvat.com



مهرگان

نشریه فرهنگی - سیاسی

خلیل ملکی : مبارزه علم با خرافات از مظاهر انقلاب صنعتی است

+ باقر مومنی : در باره روحانیت شیعه

سال هشتم شماره ۱ بهار ۱۳۷۸



مهرگان

از انتشارات جامعه معلمان ایران

نشریه فرهنگی-سیاسی

زیر نظر شورای نویسندگان

مدیر داخلی: ستاره درخشش

نظراتی که در مقالات مطرح شده

لزوماً منعکس کننده دیدگاه مهرگان نیست

نقل مطالب مهرگان بدون ذکر مأخذ مجاز نیست

xalvat.com

پهای اشتراک یکساله (چهار شماره) با احتساب هزینه پست:

آمریکا ۳۰ دلار، دانشجویان با ارسال فتوکپی کارت اشتغال به تحصیل برای آمریکا ۲۰ دلار و سایر

کشورها ۲۵ دلار، مؤسسات ۷۵ دلار، سایر کشورها با احتساب هزینه پست هوایی ۴۰ دلار یا ارسال

مانی اوردر بین المللی (International Money Order) بعنوان Iran Teachers Association

به نشانی زیر ارسال فرمایند:

Iran Teachers Association

P.O.Box 6257

Washington, D.C. 20015

U.S.A

تلفن: ۷۹۸۲-۹۰۷ (۳۰۱)

فاکس: ۲۴۳۶-۹۰۷ (۳۰۱)

Internet Address: <http://www.ig-dc.com/mehregan>

E-Mail: mehregan@ig-dc.com

مقالات بدون امضا از هیئت تحریریه است

جامعه معلمان ایران موسسه ایست غیر انتفاعی که بر طبق قوانین آمریکا به ثبت رسیده است.

حکمای مالی به این سازمان طبق قوانین آمریکا مشمول معافیت مالیاتی است.



فهرست مطالب

حمایت از آخوندسالاری و حاکمیت دین
دشمنی مستقیم با مردم سالاری و حاکمیت اراده

۱ محمد دوحشش ملت است

xalvat.com

سیاسی

۱۷ صادق زیباکلام جامعه مدنی، قانون و حکومت

ناگفته های انقلاب، راه حلی برای

۲۹ حشمت الله طبرزدی ساختار سیاسی آینده ایران

زمان و ذهنیت (نقدی بر اندیشه های

۳۱ پرویز دستمالچی -حجت الاسلام خاتمی)

۴۲ رضا چرندابی ترورهای سیاسی و روشنفکری دینی

۵۴ شیرین هیادی ما عدالت خانه می خواهیم

۵۷ باقر موهنی درباره روحانیت شیعه

۶۲ حبیب داوران ستیزه جویی با مصدق چرا؟

ایدئولوژی آمریکا ستیزی، چگونه در جمهوری

۶۵ محمد ارسنی اسلامی ایران شکل گرفت؟

۷۱ آندرو جی. بی سولویچ بمباران به خاطر صلح

Andrew J. Bacevich

فرهنگی - اجتماعی

یکی بود یکی نبود: حکایاتی از مشروطه،

۷۷ محمد علی همایون کاتوزیان امیرالاسم، و عشق و جنون

سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران

۸۸ مهرانگیز کار ارعاب در جای اغماض، اغماض در جای ارعاب

ایران بر سر دوراهی: تصویر، هویت،

۹۳ بحیی کمالی پور بردباری و آزادی



مبارزه علم با خرافات از مظاهر انقلاب
صنعتی است
درگذشت استاد ذبیح الله صفا

۱۰۱ خلیل ملکن

۱۰۶

اقتصادی

در دام فراموشی ها
تغییر در بهره وری سرمایه در بخش کشاورزی
ایران ۱۳۴۲-۱۳۷۷ (بخش دوم)

۱۱۰ نظام الدین قناری

۱۲۰ فریروز رئیس دانا

تاریخی

روند کشف حجاب و واکنش روحانیان

۱۳۲ حمید بصیرت منشی

xalvat.com

در گذرگاه تاریخ

دفاع از دکتر مصدق زندانی لشکر زرهی در
مجلس دوره هجدهم در رد لایحه سپید زاهدی
(دولت کودتا) مبنی بر ابرام حکم محکومیت
دکتر مصدق

۱۴۹ محمد درخشش

انتقاد و بررسی کتاب

افغانستان، عصر مجاهدین و برآمدن طالبان

۱۵۶ علی احمد جلالی

خبر و نظر

دیروز و امروز

۱۷۰

۱۷۸

در ترازوی زمان

اخبار و مسائل فرهنگی

۱۸۱

اخبار و مسائل اقتصادی

۱۸۷

اخبار و مسائل اجتماعی

۱۹۵



بمناسبت سالگرد قیام ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ (روز معلم)

نقل از روزنامه مهرگان مورخ ۶ خردادماه ۱۳۳۰

خلیل ملکی

xalvat.com

پرورش نسل جوان

مبارزه علم با خرافات از مظاهر انقلاب صنعتی است

«با انقلاب صنعتی در اروپا فقط صاحبان امتیازات طبقاتی خرافات را برای حفظ موقعیت اجتماعی خود رواج می دادند و با علم و دانش مبارزه می کردند. ولی امروز در ایران علاوه بر صاحبان امتیازات طبقاتی قرون وسطائی، صاحبان امتیازات اقتصادی و خداوندان صنعت قرن بیستم نیز با رواج دادن اوهام و خرافات می خواهند از ترقی علم و صنعتی ما، از تکامل یافتن لیاقت و ظرفیت صنعتی ما جلوگیری کنند. برای پرورش کادر صنعتی ممتاز و وسیع باید نسل جوان و نسلهای آینده ملت ما پس از این از گهواره تا گور در تحت تاثیر تربیت علمی قرار گیرند. برای تأمین زندگی آزاد و مستقل، روش پرورش آزاد و مستقل و کاملاً علمی برای نسل جوان ضروری است.»

یکی از نمودها یا فتومن های لازم و ملزوم انقلاب صنعتی در اروپا مبارزه علم با اوهام و خرافات و سوابق ذهنی غلط و غیر علمی بود. مظاهر اوهام و خرافات سعی می کردند از احساسات مذهبی بر علیه علم و دانش و حامین علم و دانش یعنی روشنفکران و دانشمندان سوء استفاده کنند.

یکی از مظاهر طرز تفکر علمی اینست که روابط اجتماعی روی اصول علمی از نو تدوین و تنظیم گردد. صاحبان امتیازات اجتماعی قرون وسطائی آن هایی که حفظ مناسبات اجتماعی خود را به نفع امتیازات طبقاتی خود می دیدند و سعی و کوشش فراوان به خرج می دادند که از روشن شدن افکار و از پرورش علمی فکر نسل جوان به نام مذهب و میهن جلوگیری کنند یعنی از احساسات مذهبی برای حفظ مناسبات پوسیده اجتماعی به نفع



افکار عقب مانده خود سوء استفاده کنند.

ولی پیشرفت تحولات صنعتی و لزوم توسعه علم و پرورش علمی فکر نسل جوان، خواهی خواهی و مطابق ضرورت تاریخی توسل به اوهام و خرافات و سوابق ذهنی غیر علمی را محکوم می ساخت. این نمود اجتماعی یعنی تمرد و عصیان علم بر علیه خرافات و مبارزه دانشمندان با خرافیان عبارت از یک پدیده اجتماعی است که در تمام مواردی که تکامل صنعتی در کشوری رخنه می کند باید بوجود آید. در صورتی که رهبران قوم و اولیای فرهنگ ملی از تجربیات تاریخی گذشته عبرت گرفته باشند و دانسته و فهمیده و از روی شعور کامل و آگاهی علمی به اوضاع اجتماعی نگاه کنند و آلت دست صاحبان امتیازات نباشند عوض این که سرنوشت و پرورش نسل جوان را باز بچه حوام غریبی خود و علیه اوهام پرستان سودجو قرار دهند می توانند با پرورش علمی فکر و سجایای نسل جوان استعداد و لیاقت صنعتی کشور خود را از روی نقشه بالا ببرند. پرواضح است که برای پرورش دانشمندان و کارشناسان صنعتی لازم است که جوانان با صنایع تماس داشته باشند و در تمام مدت تحصیل در برخورد با فعل و انفعالات طبیعی و نمودهای طبیعی و صنعتی و اجتماعی تنها به توضیح علمی کفایت نشود و از سوابق ذهنی خرافی در تمام دوره تحصیل اجتناب گردد تا دماغ طفل بطرز تقصص و جستجوی علمی حلال و معلولها عادت ثانوی پیدا کند.

۴ گالبله ها و کوبریک ها و لاپلاسها و انسیکلوید پست ها و حتی دکارت ها دچار تکفیرها و حبس ها و تحریم ها و کتاب سوزیها و اعترافات بخلاف عقیده خود گردیده تا توانسته اند علم را جایگزین خرافات کنند.

xalvat.com

مناسفانه کار ما از آنها مشکلتر است اگر آنان تنها با عقب مانده ترین عناصر اجتماعی در این مبارزه طرف بودند ما علاوه بر صاحبان امتیازات قرون وسطایی با نیروهای بیگانه قرن بیستم نیز در این مورد طرف مبارزه هستیم زیرا نیروهای صنعتی بزرگ دنیا از صنعتی شدن کشورهای دیگر می ترسند و میل دارند که کشورهای عقب مانده تا حدی که مصرف کننده خوب برای کالاهای صنعتی آنها باشند و مخزنی برای مواد خام آنها باشند ترقی کنند ولی نه بیشتر به همین مناسبت خداوندان صنعت بریتانیا بتوان یکی از بزرگترین کشورهای صنعتی در قرون اخیر از پیدایش انقلاب صنعتی در آسیا جلوگیری می کرد. در آسیا خداوندان صنایع بزرگ قرن بیستم اروپا با صاحبان امتیازات قرون وسطایی کشورهای عقب مانده در حفظ حالت حاضر نفع مشترک پیدا کردند و تربیت خرافی نسل جوان شرط لازم و کافی برای حفظ امتیازات طبقاتی هبث های حاکمه منحنط و حفظ سلطه اقتصادی و سیاسی نیروهای بیگانه مقتدر تلقی گردید. پرواضح است که هر چه نیروهای



مترقی جامعه تکامل پیدا میکنند مبارزه با مظاهر داخلی و خارجی ترویج اوهام و خرافات جدی تر می شود و علم و پرورش علمی باید جایگزین خرافات و پرورش خرافی جوانان گردد.

xalvat.com

بزرگترین ایرادی که خداوندان صنعت اروپا برای ما ایرانیان در موضوع ملی کردن صنایع نفت ایران می گیرند ایشست که شما «ظرفیت صنعتی» ندارید و کارشناسان لایق و کافی ندارید در صورتی که عده زیادی از جوانان تحصیل کرده، یا در پشت میز ادارات و یا در خیابانها ویلان و سرگردانند اگر عده از آنها واقعاً ظرفیت و لیاقت اداره صنعت بالفعل را ندارند برای همان تربیت خرافی است که در مدت تحصیل آنها در مدرسه علمی و غم میل و مصلحت آنان به آنها تحمیل شده است. عده از هیئت حاکمه یعنی صاحبان امتیازات طبقاتی که حافظ امتیازات اقتصادی بیگانه در ایران و کشورهای مشابه اند از طرفی داد می زنند که ما ایرانیان «ظرفیت صنعتی» نداریم و از طرف دیگر با دادن رادیو و مدرسه و فرهنگ بدست خرافیان و تربیت خرافی جوانان، مانع می شدند که «ظرفیت صنعتی» و تربیت عملی فکر جوانان علمی شود و کارشناسان لازم و کافی و مستعد برای تحقیق و تتبع علمی پیدا شود. پس از جنگ گذشته برای ما لامذهبی مطلق و شهوت رانی را سوقات فرستاده بودند پس از جنگ اخیر آنطوریکه سیاستمداران انگلیس و آمریکا بارها گفتند و جرائدشان نوشتند ترویج مذهب را لازم نسرودند.

نتیجه ترویج مذهبی که از مذهبیان اروپا و آمریکا برای ما صلاح دیده اند این شده است که هر وزیر فرهنگی که مجری نیات بیگانگان و پشتیبان منافع آنهاست با یک تیر دو نشان می زند و برای عوام فریبی و راضی کردن عده از خود تربیت جوانان را بازیچه هوی و هوسهای نامطلوب قرار می دهد. یکی از آموزگاران می گفت که با خواندن کتابهای شریعات جدید مفصل که هر وزیری محض عوام فریبی چیزی به آن اضافه می کند وقت کافی برای یاد گرفتن حساب و بهداشت و غیره نمی گذارد مثلاً می گفت در کتاب شریعات که باید اطفال حفظ کنند برای هر کدام از دوازده امام دوازده فضیلت بلند و بالا ذکر شده است که حفظ کردن آنها جایی برای حفظ جدول ضرب باقی نمی گذارد. مثلاً یکی از این فضایل که برای حفظ کردن اطفال ۸ ساله نوشته شده اینست که یکی از امامها «شوهر بیوه زنان» بوده است. این نوع تربیت مذهبی و کتاب شریعات نویسی تنها از دماغ شهوت رانی ممکن است تراوش کنند که حس شهوترانی خود را در شوهر شدن نسبت به بیوه زنان با اصول مذهب اشتباه کنند و با این مطالب حس عوام فریبی و زرای فرهنگ را راضی کرده و وقت با ارزش جوانان و اطفال را تلف و آینده ملتی را دستخوش مطامع



اقتصادی استعمارطلبان قرار دهند. تربیت مذهبی و اخلاقی اطفال و جوانان باید متناسب با سن و سال و وقتی باشد که برای برنامه در نظر گرفته شده. بی شک ما به قدر کافی صاحب رجالی می باشیم که صنایع ما را از جمله صنایع نفت را بکمک متخصصین خارجی اداره کنند ولی اگر لازم است که در آینده مانند کشورهای صنعتی دیگر از این حیث بی نیاز شویم فرستادن محصل بخارجه به تنهایی کافی نیست. اولاً باید فرهنگ و دانشکده های ما خود بتوانند کارشناس در عین حال آزمایشگاههای بزرگ تحقیق و تتبع بوجود آرند ثانیاً خیلی ها به اهمیت تربیتی که در دوره دوازده سال دبستان و دبیرستان و جوانان دریافت می کنند توجه نمی کنند. جوانانی که در این مدت سکه تربیت علمی بفکرشان نخورده باشد و به طرز تفکر و تفحص علمی بلکه روحی آشنا نشده باشند در بهترین دانشکده ها کارشناسان خوبی نخواهند شد.

xalvat.com

در زمانی که فرانسه تقریباً در مرحله کنونی ما زندگی می کرد یک دانشمند خرافاتی علم طب در دانشکده برای همه ای سخنرانی می کرد و از مرض حماء نفاسی بحث می کرد که در زا یسگاه پاریس در آن سال سیصد نفر را تلف کرده بود. سخنران در ضمن بحث از توضیح مرض و طریقه معالجه آن بخلاف روش علمی امروز از سوابق ذهنی فلفط و خرافاتی حرف می زد یکی از حاضرین بعنوان اعتراض با عصبانیت می گوید: این علمی که شمرده می شود مزخرف و بیمنی و پیموده است. فکر گوینده دارای پرورش علمی نیست مریض ها را خود اطباء و پرستاران با انتقال دادن میکروب از مریضی بسایرین می کشند. این مردم و عصبان علمی بر علیه سوابق ذهنی خرافاتی باعث شد که به پاستور جوان اعلام شود که او استعداد تفحص در مسائل طبی ندارد و مشغول مطالعات شیمیایی خود باشد. طرز تفحص علمی به پاستور یاد داده بود که در رسیدن به هدف هرگز نباید مایوس شد و باید با استقامت دنبال هدف رفت. چند سالی طول نکشید که پاستور طرز تفکر علمی و عقیده داشتن به میکروب را جانشین سوابق ذهنی فلفط کرد و عمل ستریلیزه یا ضد عفونی کردن رسماً مورد قبول شد و پس از آن تاریخ زا یسگاه دیگر اطلاق انتظار مرگ برای زنان باردار تلقی نگردد.

بعضی ها تصور می کنند که کاشفین و مخترعین و متجین علوم تنها محصول نبوغ و دهاء می باشند، در صورتی که آن طرز تربیت که فکر در تحت تاثیر آن قرار می گیرد تأثیر فراوان در ظهور و پیدا پیش نبوغ و دهاء دارد.

پرورش متد یک فکر و یا تربیت خرافاتی از فرد متوسطی مرد شبه نابغه و از یک فرد مستعد نابغه بودن ممکن است انسان متوسطی بوجود آورد. چقدر نبوغ و دهاء در گوشه های



مهرگان

۱۰۵

خبابانهای تهران و حتی پشت نیمکت های مدارس تلف می شوند اینها فرزندان گم گشته ایرانند که استعدادهای آنها یا در نتیجه نبودن آموزشگاه و یا پرورش غلط معطل ضایع و تباه شود. نتایج حاصل از نبوغ و دهاء انشتین حتما تا حدی مربوط به تربیت علمی است که فکر و دماغ او از اوان کودکی در تحت تاثیر آن قرار گرفته. او البته این استعداد را داشته ولی طرز تربیت نیز به او اجازه داده است که پیش از اتمام سن پانزده با اقلیدس و نیوتون و سپینوزا و دکارت و سایر ریاضی دانان فلاسفه آشنایی پیدا کند. اگر فکر او تحت تاثیر پرورش هندسی یا ریاضی و فلسفه مانند سپینوزاها قرار نگرفته بود و مثلاً در دبستانهای ما شریعات یاد گرفته بود و از یاد گرفتن موسیقی منع شده بود شاید عوام فریب خیلی خوب و مهندس خیلی متوسط از کار در می آمد ولی نایقه علم نمی بود. و در بیست شش سالگی مسئله منظومه هم آهنگ سماوی را حل کرده بود. میگویند در حل این مسئله طرز تفکر ریاضی او با علاقه مندی به هنر موزیک ترکیب شده است می گویند او تجزیه و ترکیب اجرام سماوی را همانطور تجزیه و ترکیب کرده است که موزیسین عناصر یک سونات را تجزیه و ترکیب می کند. می گویند در یکی از لحظات که انشتین در انتظار کارفرمای خود تسلیم تخیلات عادی شده بود و شاید یک جوان تربیت شده در مدارس ما بجای او در باره این فضیلت چگونه می توان «شوهر بیوه زنان» بود فکر می کرد انشتین بمناسبت اینکه حتی تخیلاتش از قالب طرز تفکر علمی نمی توانست تجاوز کند بفرمولی پی برد که در نتیجه پیروی از آن بالاخره توانستند انرژی ذخیره در اتم را آزاد کنند.

روانشناسانی که علمی فکر می کنند هیچ چیزی در فکر یا دماغ یا روح انسان وجود ندارد مگر اینکه از راه حواس وارد آن شده باشد. مطالبی که خانواده و محیط تربیتی و مخصوصاً در مدرسه دارد فکر جوانان از ایام صباوت تا اتمام مدرسه وارد می شود مجموعه شخصیت او را میسازد اگر کمیت هائی که متدرجاً وارد فکر او می شود همه دارای محتویات علمی باشند این کمیت ها بالاخره به یک کیفیت تغییر ماهیت می دهند و از یک جوان عادی اگر نایقه درست نکردند اقلماً یک دانشمند اهل تحقیق و تتبع بوجود می آورند.

برای این که بتوانیم صنعت نفت خود را اداره کنیم و از منابع زیرزمینی خود استفاده کنیم و برای اینکه لیاقت عضویت در جامعه ملل متمدن داشته و استقلال و آزادی خود را حفظ کنیم باید نسل جوان را مطابق مقتضای عصر حاضر پرورش دهیم.

تاریخ تکامل صنعتی یعنی تاریخ مبارزه علم با خرافات یعنی مبارزه حال با گذشته و ترکیب شدن آن به آینده متمدنی. در کشورهای صنعتی متمدنی متمدنی متمدنی که برای اولین بار در تاریخ معاصر پیدا شدند، عاملین صنعت متمدنی با عوامل متحط قرون وسطایی مبارزه می کردند ولی



در مقابل دیدیم که با پیدایش روش استعماری و بوجود آمدن کشورهای مستعمره و نیم مستعمره، مترقی ترین عوامل صنعتی اروپا در کشورهای مستعمره از عقب مانده ترین عوامل منحنی قرون وسطایی و خرافی پشتیبانی می کردند تا بتوانند عقب ماندگی مستعمره را حفظ کرده و تا ممکن است سلطه استعماری خود را تمدید کنند. در صورتی که کشور ما بخواهد از زیر سلطه استعماری کاملاً بیرون رود بدون کمک خداوندان صنایع بزرگ اروپا بتواند از منابع فراوان و پربرکت زیرزمینی خود استفاده کند باید یک رسوم و آداب موروثی علمی و یک محیط پرورش علمی بوجود آورد که جوانان، حتی الامکان از سنین صباوت با آن طرز تفکر علمی فکرشان بار بیاید و روش علمی سکه خود را به فکر جوانان بزند بنوعی که سلطه های اجتماعی یا مذهبی نتوانند این طرز تفکر علمی و فکر پرورش یافته در تحت تأثیر قوانین علمی را زیر نفوذ خرافی خود که با مذهب نیز منافات دارد قرار دهند. در زمانی که انقلاب صنعتی فرانسه در حال رشد و تکامل بود اگر حافظه ام یاری کند، ناپلئون بود که گویا از لاپلاس ایرادی گرفت ولی آنچه کاملاً در خاطر دارم اینست که یک کشور گشای مقتدر از دانشمندی که مولف کتاب مکانیک سماوی (مکانیک هیلپست) است پرسید چرا در کتاب به این طول و تفصیل خود از خلاق آسمان و زمین حتی یک کلمه ذکری بمیان نیاوردی.

دانشمند در جواب گفت «اعلیحضرتا در ساختن مکانیسم اجرایی سماوی با این تئوری مورد توجه آن اعلیحضرت احتیاجی پیدا نکردم.» البته نباید تصور کرد که این طرز تفکر دانشمندانه منافاتی با داشتن ایمان و عقیده بخداست زیرا میدانم که دانشمندانی از نوع داروین و نیوتون دارای عقاید مذهبی بودند ولی در ساختن و پرداختن تئوریهای علمی و یا قوانین علمی عقیده مذهبی را دخالت نداده و از قانون علیت پیروی می کردند. همانطور که راننده و یا اداره کننده یک ماشین باید مکانیسم موتور و سایر اجزاء ماشین را مطابق قوانین طبیعت و مکانیک بداند و از آن پیروی کند و مثلاً بدون بنزین و پدکی های لازم و وسایل تعمیر لازم برای مسافرت هوایی طولانی تنها با توکل خشک و خالی پرواز نکند همینطور جوانانی که برای تحصیل علم پرورش می یابند نباید عوامل غیر علمی را در مطالعات و مباحث فنی و صنعتی وارد کنند. توکل بخدا چیز خوبی است ایمان و روحیه را تقویت می کند ولی مشروط بر این که «با توکل زانوی اشتر را ببندی».

xalvat.com

ولی اگر کشورگشایان قرون گذشته و امپراتوریهای منحنی می خواستند با ترویج خرافات سلطه استعماری خود را در قرن بیستم ادامه دهند کشورگشایان نوع جدید در قرن بیستم پیدا شده اند که اساس و پایه سلطه و نفوذ خود را نه با ترویج خرافات بلکه با سوء استفاده از کاملترین وسایل علمی می خواهند رواج بدهند.



کشورهای موسوم به توتالیتر پیدا شده اند که با استفاده از حداکثر انرژی افراد جامعه ملی و بین المللی، می خواهند نفوذ عده معدودی را که با کمترین ابزار علمی قرن بیستم مجهزند در تمام کره زمین وسعت دهند.

xalvat.com

فاشیسم ایتالیا نازیسم در آلمان مظاهری از این نمود اجتماعی قرن بیستم بودند ولی تنها پدیده هایی از این نوع بودند.

در هر حال در کشورهای توتالیتر بهترین استفاده و یا سوء استفاده را از روش رواج دادن اوهام و خرافات که مختص امپراطورهای منحط است کرده و با توسل به وسایل علمی و سوء استفاده از تمایل روشنفکران و جوانان و زحمتکشان بروش علمی نفوذ خود بسط می دهند ولی تنها مختصر توجه و تجربه به قدر کافی لازم است بکار رود تا معلوم شود که روش منحط سلطه استعماری نوع نوس تنها از لحاظ روش فرق دارند ولی هر دو منتهی به همان هدف واحد سلطه یک دولت بر ملل دیگر می گردند. پرواضح است که روش علمی سلطه استعماری نوین موثرتر از آن یکی است. اگر استعمارطلبان قدیم حتی بحفظ آنچه در قرون گذشته بدست آورده بودند قادر نبودند روش استعماری نوین حتی در قرن بیستم می تواند توسط خود ملل بر آنها تفوق یابد همانطور که در نوع فاشیسم این حکومت های توتالیتر دیده شد که ستون پنجم از پیروان هر ملت در داخل خود ملت بوجود می آورند که از هرگونه دشمن خارجی خطرناکتر است.

بعضی ها این خیال بیسوده را بفکر خود راه داده اند که با ترویج اوهام و خرافات می توان با این روش مبارزه کرد. چون می بینند که طرف با وسیله علمی مجهز است می خواهند این سوء تفاهم را ایجاد کنند که افکار اجتماعی علمی اصولاً مخالف با روح میهن پرستی است آنها برای حفظ امتیازات غیر مجاز و عقب مانده طبقاتی خود از طرفی با رواج دادن اوهام و خرافات هم آهنگی خود را با استعمارطلبان منحط نشان می دهند و از طرف دیگر بهترین زمینه را مخصوصاً بین جوانان برای نفوذ افکار توتالیتر که علم را در خدمت اعمال نفوذ خود قرار داده تهیه می کنند و بادست خود تبشه بریشه ملیت و حتی موجودیت خود نیز می زنند.

هرکس با جریانات فکری و تحولات روحی نسل جوان ما در مدارس و دانشگاه آشناست بخوبی تصدیق خواهد کرد که سعی و کوشش صنعتی بر ترویج اوهام و خرافات و سیر قهقراپی نسبت به شناختن حقوق اجتماعی زنان درست مورد سوء استفاده عوامی قرار می گیرد که دستورات خویش را از مراکزی غیر از حدود سرحدات ایران دریافت می کنند. موضوعی که کسی نمیتواند در آن جزئی ترین تردید بخود راه دهد اینست که بعضی



از نفوذهای بیگانه در ایران بهترین سوء استفاده را با بهترین وسیله علمی از نقاط ضعف هیئت حاکمه که رواج دهنده اوهام و خرافات است و تکیه به نیروهای استعماری منحط کرده است می کنند. یک مطالعه جدی در این باره نشان می دهد که توسل به ترویج اوهام و خرافات و افکار قرون وسطایی تا چه اندازه برای موجودیت ملت ما خطرناک است. لاقلاً آن روشنفکران و استادان و اولیای فرهنگی که ذینفع در حفظ وضع منحط حاضر نیستند، آنها بیکه لاقلاً موجودیت ملتی را برای حفظ امتیازات خود لازم می شمارند برای تأمین منافع جزئی دانی کنوتی بزرگترین خطر را برای سرنوشت ملت خود بدست خود خریداری نکنند.

xalvat.com

عده ای از اولیای فرهنگ و دانشگاه و سایر اولیای امر یا از روی عدم توجه و یا از روی حفظ مصالح خود می گویند سیاست نباید در فرهنگ و دانشگاه وارد شود. ما هم اصولاً با این فکر مخالف نیستیم و امیدواریم روزی برسد که نسل جوان ما احتیاجی نداشته باشد که در سیاست دخالت کند و تمام وقت خود را به تحصیل علم و تجربه صرف کند. ولی در مرحله کنوتی دو سیاست خواهی نخواهی در فرهنگ وارد شده و جلوگیری از آن بدون دخالت در سیاست برای اولیای فرهنگ و معلمان و جوانان غیر ممکن است. یکی سیاست سوء استفاده مادی و معنوی است که هیئت حاکمه از دستگاه فرهنگی می کند و تمام فرهنگ اعم از معلم و معلم یا عوارض سوء این سوء استفاده سیاسی سر و کار دارند و خواهی نخواهی باید مانند هر موجود زنده عکس العملی در مقابل سوء استفاده سیاسی از خود نشان دهند. دوم سیاست بیگانگان است که از این عدم رضایت مردم و از این عکس العمل طبیعی آنها به نام دلسوزی برای ما می خواهند برای خود استفاده کنند. اگر اشخاص با حسن نیت و میهن پرست و مسؤولیت دار در سیاست فرهنگی مداخله نکنند و در مقابل رواج اوهام و خرافات مبارزه نکنند و بالعکس خودشان نیز از راه عوام فریبی و یا راحت طلبی دست به رواج اوهام و خرافات بزنند تا از دیگران عقب نمانند، در این صورت از مقابل واقعیت زندگی فرار کرده اند و میدان را برای نفوذ عمال بیگانه باز گذارده اند. آن راه فرهنگی و اجتماعی مترقی و متناسب با روح زمان که نسل جوان ما باید طی کند خوب است از طرف خود ایرانیان ترسیم شود و الا این راه را دیگران پیش پای جوانان ما خواهند گذاشت. اگر ما خود راهنمایی علمی و مطابق روح زمان نکنیم، این بپراهه آنها را بترکستان هدایت خواهد کرد. جوانان ما وقتی متوجه خواهند شد که کار از کار گذشته است، نفرین و لعنت تاریخی متوجه آنها می خواهد کرد که تصور می کنند با رجعت به اصول قرون وسطایی می توان از اسلحه قرن بیستم جلوگیری کرد.



یاقر مومنی

درباره روحانیت شیعه

xalvat.com

روحانیت شیعه، برخلاف آنچه هم خودش و هم مخالفان سطحی نگرش می خواهند وانمود کنند، یک جمع یکپارچه و منسجم نیست بلکه جمع نامتجانسی است از کسانی که علاوه بر ریشه ها و پیوندهای طبقاتی متفاوت دارای گرایش های ذهنی و علائق متفاوت هستند ولی با اینهمه به صورت یک مجموعه و یا شاید بشود گفت «سکت» که ذهنیات و آموزش های معینی آنها را شدیداً به یکدیگر پیوند می دهد عمل میکند و این پیوند تا زمانی که تلاطم های اجتماعی پدیدار نشده وجود دارد اما در جریان یک خیزش اجتماعی- تاریخی حاد، براساس همان ریشه ها و پیوندهای طبقاتی و گرایش ها و علائق ذهنی تجزیه می شود.

اکثریت عظیم جامعه روحانیت از روستا زادگان ساده و بی چیز هستند، عده کمتری هم از طبقات متوسط نسبتاً مرفه روستایی و شهری تشکیل می شوند؛ البته عده بسیار معدودی از اینها به مقامات عالی روحانیت دست می یابند. در مناسبات و درجات روحانیت هم آنچه بی چشم می خورد اینست که توده عظیمی از روحانیون، حقوق بگیر و تابع مراکز حوزه ها هستند و گروهی از اعضای متوسط آن از زندگی کاملاً مرفهی برخوردارند و عده انگشت شماری هم بعنوان مراجع تقلید شناخته شده اند که بر این جامعه حکمفرمایی می کنند و قدرت حوزه ها و مدرسه ها در اختیار آنهاست. با این ترکیب می بینیم که جامعه روحانیت شیعه، باز هم برخلاف شایع، از یک سلسله مراتب سازمانی و مادی بسته برخوردار است با توجه به این نکته که این مقامات و موقعیت ها موروثی نیستند و افراد بر اساس استعدادها و میزان آموزش های خود میتوانند در این دایره بسته جا بجا شوند.

آنچه این مجموعه را بهم پیوند می دهد آموزش ها و معتقدات مذهبی، یعنی یک ذهنیت کلی است که در عین حال در ارتباط و برخورد با واقعیات اجتماعی- این ذهنیت در اعضای آن جلوه های متفاوتی پیدا می کند. با این ترکیب افراد جامعه روحانیت در میان ذهنیت و عینیت در نوسان هستند. عده ای از آنها بسختی پای بند دگم ها و آیات آسمانی



مهرگان

۵۹

جدال به نظاره اکتفا میکند، یکی در ورای این جدال با «توآوری»های خود در تلاش نجات ذهنیت مذهب برمی آید؛ یکی حکومت مطلقه اصولی اسلام را می خواهد برقرار کند ولی بدست نماینده توهمات اوتوپیک هوادار توده به دار آویخته می شود و بالاخره یکی دیگر می خواهد ذهنیت محافظه کارانه خود را با عینیت انقلابی سازش دهد ولی سرانجام سرخورده دوباره به «حوزه علمیه» پناه می برد تا دوباره از همان زاویه مألوف و آشنا با توده ارتباط برقرار کند و با تکیه بر آن، قدرت معنوی خود را در برابر قدرت سیاسی حاکم نگاه دارد و بسط دهد.

xalvat.com

نمونه زنده و حاضر این وحدت و تجزیه را در جنبش انقلابی سالهای اخیر بخوبی می توان دید: گروه هائی مانند امام جمعه تهران و واعظان و روضه خوانانی که با دربار قدرت رابطه مستقیم دارند و از لحاظ مالی و معنوی به دستگاہ های قدرت بسته اند از همان لحظه اول جوشش انقلابی از شرع پائین کشیده می شوند. گروه هائی از مقامات علیه روحانیت با همه جوشش انقلابی جامعه همچنان بیم زده از تداخل مذهب و سیاست که به آلودگی مذهب به عینیات سیاسی - اجتماعی منجر میشود و اصل مذهبی را در برخورد با توده مردم قرار میدهد گوشه حوزه را همچنان محکم نگاه داشته اند. آنها نه اینکه هواخواه سلطنت و یا آنطور که گاه خودشان می گویند با حکومت جور موافق باشند بلکه اساساً با دخالت روحانیت در امر سیاست مخالفند زیرا توده مردم که در شرایط عادی و جدائی دین از سیاست زیر نفوذ آنها هستند در صورت حکومت روحانیت از آنها مسئولیت خواهند خواست و آنها را زیر سؤال قرار خواهند داد و ناگزیر با آنها رودر رو خواهند شد. در نتیجه هم از زیر نفوذ روحانیت و هم از زیر نفوذ خود مذهب بیرون می آید. سه گروه محافظه کار، اصولی و «انقلابی» نیز که روزی به وحدت تظاهر می کنند و می کوشند تا آنرا حفظ کنند دقیقاً مانند دوران درگیری جنبش مشروطه، در سیر تحول انقلاب تجزیه می شوند و در برابر یکدیگر قرار می گیرند. منتها این بار، که برخلاف جنبش مشروطیت، متشرعین اصولی برنده می شوند آقای خمینی، بعنوان مظهر حاکمیت اسلام اصولی، آقای شریعتمداری را که زیر فشار توده ها و جنبش انقلابی آنان محافظه کارانه می خواست میان قدرت سلطنتی و روحانیت اسلامی تعادل برقرار کند، معاویه می خواند. هواداران عدل و قسط منسوب به اسلام و هلی را خانه تشین می کند؛ پیروان آنها نیز آشکارا امثال شریعتی، این روحانیت آلامد، را که در زمینه ذهنیت می خواست توآوری کند و اسلام را از انحصار روحانیت بیرون آورد باستمیزا می گیرند، به خانه اش و به خاطره اش حمله و اهانت می کنند و سرانجام به تکفیرش می پردازند.



مهرگان

۶۰

این تحلیل بدون ذکر یک نکته و تأکید بر آن قویاً گمراه کننده خواهد بود و آن اینکه با ایشمه تجزیه، عامل ذهنیت، که همان مذهب اسلام است همچنان بصورت یک عنصر پیوند دهنده در میان جامعه روحانیت باقی میماند و گروه های مختلف روحانیت، که با چنگ و دندان یکدیگر را می دردد در برابر هر نوع تضعیف قدرت مذهب از سوی ذهنیت و قدرت مادی دیگر، دوباره وحدت می یابند، زیرا همه آنها خواهان حاکمیت یا حداقل سلطه مذهب اسلام بر هر چیزی غیر آن هستند.

xalvat.com

بعلاوه روحانیت از لحاظ مالی و مادی بخصوص از گروه ها و قشرهای متوسط جامعه و تجار و ملاکان درجه دوم که صاحب امکانات مالی و مادی هستند تغذیه می کند و از لحاظ معنوی ناگزیر به مردم عادی و زحمتکش تکیه دارد و این دورا بدینزه ابزار دفاعی در برابر قدرت حکومت بکار میگیرد. او در عین حال باید مردم محروم را به حقانیت ثروت و قدرت قانع و سرکشی های آنها را در برابر این دو مهار و آرام کند. با این ترتیب روحانیت برای حفظ اتکا مردم زحمتکش در برابر آنها بشدت ریاکار و عوام فریب می شود، و در عین حال در برابر قدرت حاکم بسختی محافظه کار می ماند. بهمین جهت روحانیون همیشه می کوشند تا از رشد تملات انقلابی - اجتماعی مردم زحمتکش جلوگیری کنند، آنرا بسمت اوتویی منحرف کنند و از تظاهر مادی آن جلوگیری کنند و هنگامی که دیگر قادر به جلوگیری از بروز مادی این تملات بصورت جنبش اجتماعی نیستند سعی می کنند تا بر آن سوار شوند و آنرا از لحاظ ذهنی به خدمت اندیشه اسلامی و از لحاظ عینی به خدمت همان طبقات متوسط مرفه و استثمارگران درجه دوم جامعه در آورند. بنا بر این برخلاف ادعا و فریبکاری بعضی ها روحانیت، علیرغم سوا استفاده از مردم عادی برای حفظ موقعیت و قدرت اجتماعی خود بهیچوجه بمفهوم واقعی، مردمی نیست و در عین حال بهیچوجه نمی تواند در پیشا پیش جنبش های انقلابی - اجتماعی قرار گیرد بلکه پس از رشد جنبش میکوشد بر آن سوار شود و آنرا مهار و منحرف کند. نمونه بارز این گرایش در تاریخ معاصر ایران کمک روحانیت به روی کار آوردن حکومت رضاشاه و سپس تسلیم به اوست.

روحانیت در عین حال بنسبیت ذهنیت و تعالیم عقب مانده اش با هر نوع دست آورد تمدن بشری مخالف است و هر پدیده نو و هر نوع نوآوری را خطری برای در هم شکستن ذهنیت عقب مانده توده ها میدانند بخصوص که این نوآوری در جهان امروز با جامعه غیر اسلامی و مسیحی بشدت در ارتباط است و بتصور او بنای ذهنیت اسلامی او را مورد هجوم یا تردید قرار میدهد. بهمین دلیل تا آنجا که بتواند در برابر نفوذ خارجی میایستد اما این ایستادگی هم بنسبیت همان محافظه کاری اجتماعی او پیگیر نیست و در برابر تسلط و



میرگان

۶۱

گسترش نفوذ خارجی در لاک خودش فرو میرود بخصوص اگر عامل خارجی ابزارهای تمدن را فقط برای استثمار توده ها بکار ببرد، به جنبه عینی نفوذ تمدن اکتفا نکند و به قلمرو معنوی و ذهنیت روحانیت کاری نداشته باشد و حتی نفوذ معنوی او را در میان مردم زحمتکش، که وسیله نخدر آنهاست، برای خودش مفید بداند.

با این ترتیب می بینیم که روحانیت عملاً در موضع ضد خارجی مطلقاً پیگیر و متمرکز نیست.

روحانیت، اما در مورد دستاوردهای ذهنی تمدن بشری، بخصوص ذهنیات ترقیخواهانه و پیشرو و نفوذ آن در میان توده ها بسختی پیگیر و آشتی ناپذیر است زیرا این یکی موجودیت او را از ریشه تهدید می کند. روحانیت در قلمرو حیات فکری بشر بشدت ضد علم است، در زمینه فلسفه با جهان بینی مادی دیالکتیکی بشدت مخالف است و در زمینه اجتماعی با سوسیالیسم که تحقق علمی علم و فلسفه مادی در میان جامعه انسانی است از بیخ و بن دشمنی می ورزد و آنجا که جنبش های انقلابی - اجتماعی رنگ سوسیالیستی بخواهند بگیرند برای جلوگیری از آن با امپریالیسم نیز میسازد همانطور که در زمینه طبقاتی برای حفظ طبقات مرفه و استثمارگر درجه دوم در برابر جنبش انقلابی توده ای تسلیم قدرت رقیب خود، یعنی حکومت وقت می شود.

۲۱ اکتبر ۱۹۸۳ xalvat.com

پانویس:

۱- طبیعی تر از او وضع آقا محسن اراکی است که از نظر طبقاتی در صف ملاکین بزرگ و یکی از ملوک طوایف است و با نیروهای مسلح خود عملاً بر عراق عجم فرمانروایی می کند و خود دفاع از موضعگیری های علمای دیگر و حتی دولت مرکزی بیدرنگ در برابر هر نوع فکر مشروطه خواهی قرار می گیرد.